

روابط مستقیم و معکوس رفاه، فقر و نابرابری

احمد اخوی

توضیح اجمالی:

شواهد آماری و تجربی از رشد اقتصاد و رفاه کشورها حاکی است در زمان‌های افزایش رفاه و بهبود اقتصادی - که معمولاً با درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود - نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد و بالعکس در برهه‌هایی از کساد و رشد منفی ولی خفیف درآمد ملی، توزیع درآمد بهتر می‌شود. این روند را هم در رونق اقتصاد آمریکا در قبل از بحران سال‌های اخیر (۲۰۰۷) و هم در اقتصاد چین می‌توان مشاهده کرد. اگر چه طبق نظریه کوزنتس همواره با شروع توسعه، نابرابری درآمدی ابتدا افزایش و سپس با ادامه آن کاهش می‌یابد ولی اغلب مشاهده می‌شود که اتفاق مذکور صرف‌نظر از فازبندی‌های توسعه‌ای در کشورهای توسعه یافته و نیم توسعه یافته واقعیت دارد. شاید به این دلیل که اگر چه در هنگام تنزل و کساد اقتصادی، درآمد همه مردم کاهش می‌یابد اما به دلیل بیمه‌های بیکاری و حمایت دولت از اقشار آسیب‌پذیر و عدم کاهش مستمری‌ها، درآمد ثروتمندان بیشتر کاهش می‌یابد و لذا سطح درآمدها اگر چه کاهش دارد اما به هم نزدیک‌تر قرار می‌گیرد. در هنگام رونق اقتصادی بعکس اثر افزایشی در سودها و درآمد پولدارها سریع‌تر و شدیدتر ظاهر می‌شود تا در مزدها و مستمری‌ها و لذا شاهد افزایش نابرابری به موازات افزایش رفاه می‌باشیم. این روند عمومی اما در اقتصادهای رفاه اروپا کمتر چشمگیر است. زیرا ساز و کار مالیات تصاعدی و نظام کارآمد مالیات ستانی به طور خودکار روند نابرابری‌ها را تعدیل می‌کند. در نظام‌های اقتصادی فاقد این ساز و کار خودکار، جهت نابرابری را نوع سیاست‌های درآمدی تنظیمی و اجرای کارآمد برنامه‌های تعدیلی تعیین می‌کند.

به این ترتیب، کاهش نابرابری همواره شاخص مثبتی نیست زیرا ممکن است به بهای کاهش رفاه عمومی و افزایش فقر همگانی بوجود آمده باشد کما اینکه افزایش نابرابری نیز همواره یک شاخص منفی نیست بلکه ممکن

است همراه با افزایش فاصله‌های درآمدی وضع زندگی کل آحاد مردم بهتر شده باشد. به عنوان مثال، نرخ رشد اقتصادی مناسب نیمه اول دهه ۱۳۸۰ مانع افزایش نوسانی نابرابری نگردید کما اینکه تحریم اقتصاد و فشار رکود و کاهش درآمد سرانه نیز در نیمه دوم آن دهه - و بویژه در سال ۱۳۹۰ - مانع از کاهش نابرابری نگردید.

نکات کلیدی:

۱. همان‌طور که مالیات بر ارزش افزوده متناسب با افزایش مصرف درآمد مالیاتی را افزایش می‌دهد، لازم است در زمان‌های رونق و شکوفائی اقتصاد کارآیی مالیات‌ستانی از درآمد شرکت‌ها و مشاغل آزاد نیز افزایش یابد تا ثمرات رفاه اقتصادی عادلانه‌تر توزیع شود.
۲. در هنگام رکود و بحران‌های اقتصاد و درآمد، توزیع درآمد احتمالاً بهتر می‌شود و لذا چنانچه دولت در راستای پایان دادن به رکود اقتصادی از عوامل و سیاست‌های بازدارنده سرمایه‌گذاری و تولید بکاهد به کاهش فقر، بیکاری و افزایش رفاه عمومی کمک کرده است.
۳. از بهبود توزیع درآمد نمی‌توان مستقیماً رفاه عمومی را نتیجه‌گیری کرد چه‌بسا این افزایش برابری، به بهای فقر عمومی و کساد تولید و اشتغال ایجاد شده باشد.
۴. در هنگام کساد و بحران اقتصادی آن‌قدر که باید از سرمایه‌گذاری و افزایش تولید حمایت کرد تا تأکید بر کاهش سریع‌تر نابرابری‌های درآمدی لازم نیست زیرا کاهش بیکاری می‌تواند بیش از برابری رفاه عمومی مردم را افزایش دهد.